

درآمدی به

آیین استناد

در نگارش‌های علمی

محمود حقیقی



نشر کتاب موّجه

درآمدی به
آیین استناد
در نگارش های علمی

محمود حقیقی



تهران، ۱۳۹۸



درآمدی به
آیین استناد
در نگارش های علمی
محمود حقیقی

مدیر تولید فرهنگی: محمد جوهرچی

مدیر فنی و اجرایی: رضا لیافی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۳۹۷-۵۲-۹

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۸۰۰۰ تومان

© حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است و هرگونه بازتولید با استفاده
بازرگانی از اثر، کلاً و جزئاً، مجاز نیست.

دفتر مرکزی و فروشگاه:

بلوار کشاورز، خیابان فلسطین، نرسیده به میدان فلسطین، شماره ۳۸۰

تلفن و دورنگار:

۸۸۹۶۳۷۶۸ - ۸۸۹۶۱۳۰۳

www.ketabmarja.com

@ketabmarja96

@ketab_marja

فهرست

پیشگفتار.....	هفت
مقدمه.....	نه

دفتر اول

سه گفتار در کاربرد استاد و ارجاع

گفتار یک: کاربرد استاد در نگارش های علمی.....	۳
گفتار دو: برخی از ویژگی های ارجاعی نگارش های علمی.....	۲۱
گفتار سه: آسیب پذیری پژوهش در اتکاب به منابع شبکه جهانی وب.....	۳۱

دفتر دوم

۱۱۰ نکته در ذکر استنادها و ارجاعات، و تنظیم اطلاعات کتابشناختی منابع

مقالات دانشنامه جهان اسلام

گفتار یک: انواع ارجاع.....	۴۵
گفتار دو: استادهای درون متنی.....	۵۷
گفتار سه: اطلاعات کتابشناختی در فهرست منابع.....	۶۹
گفتار چهار: توصیه های لازم الرعایه.....	۹۹
گفتار پنج: الزامات دیگر مستندنویسی.....	۱۰۵

نیش ✦ درآمدی به آیین استناد در نگارش های علمی

دفتر سوم

دو شیوه نامه در علوم اجتماعی و علوم انسانی

- گفتار یک: نظام های درون متنی و شیوه نامه های مبتنی بر آنها..... ۱۱۹
- گفتار دو: ضوابط درج استنادها در نشانی های درون متنی بر اساس شیوه نامه های APA و MLA ۱۲۵
- گفتار سه: تنظیم اطلاعات کتابشناختی در فهرست منابع بر اساس ویرایش ششم APA..... ۱۳۳
- گفتار چهار: تنظیم اطلاعات کتابشناختی در فهرست منابع بر اساس ویرایش هفتم MLA..... ۱۴۹

پیشگفتار

بیش از ۳۵ سال از تأسیس بنیاد دایرةالمعارف اسلامی می‌گذرد. هدف اولیه از این اقدام طراحی و تدوین دانشنامه جهان اسلام بوده است که به لطف الهی در مسیر درستی پیش رفته و تاکنون ۲۶ مجلد از این مجموعه بزرگ (شامل حرف ب تا ش در قالب ۷۰۰۰ مقاله تحقیقی) به جامعه فرهنگی و علمی تقدیم شده است و امید می‌رود تا یک دهه دیگر به سرانجام برسد و نخستین دایرةالمعارف فارسی با موضوع «جهان اسلام» صورت اتمام یابد. اما آنچه در این میان به مثابه دستاوردی ارزشمند بروز و ظهور یافته، مجموعه‌ای از قواعد و ضوابط خرد و کلان در امر تحقیق به‌طور عام و در تولید دایرةالمعارف تحقیقی و تخصصی به‌طور خاص است. این قواعد هم ناظر به محتوا و صورت و ساختار مقاله پژوهشی است و هم ناظر به اصول و الزامات مستندنویسی و رعایت نظام ارجاع و استناد.

خوشبختانه از همان سال‌های نخستین تأسیس بنیاد، امر مهم مراقبت از مستندنویسی و به‌طور کلی «آیین استناد» را استاد محترم، جناب آقای محمود حقیقی بر عهده گرفتند. ایشان علاوه بر تدریس دروس مرتبط با سازماندهی علمی مواد کتابخانه در گروه کتابداری دانشگاه تهران در مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در مدتی بیش از ۳۰ سال و تربیت علمی دانشجویان علاقه‌مند و کوشا، دارای دقت نظر و انضباط علمی مثال‌زدنی هستند و

هشت ❖ درآمدی به آیین استناد در نگارش های علمی

در طول قریب به سی سال مدیریت بخش «ویرایش استنادی» نیز با حوصله تمام و جذب و تربیت جوانان مستعد، مبانی و روش ها و اصول مستندنویسی را تدوین کرده اند. از این رو، به درخواست اینجانب، مجموعه قواعد و الزامات مستندنویسی در مقالات پژوهشی را با تأکید بر دانشنامه جهان اسلام در قالب کتاب درآمدی به آیین استناد در نگارش های علمی فراهم آورده اند تا در اختیار اهل علم قرار گیرد. با سپاسگزاری از استاد محترم، جناب آقای حقیقی، برای ایشان توفیق روزافزون در تألیف آثار دیگری در موضوع «ویرایش استنادی» و انتقال تجربه علمی به نسل نو، از خدای کریم خواستار است. نیز امیدواریم این کتاب راهنما و راهگشای پژوهشگران و نویسندگان مقالات علمی در دانشگاه ها و مؤسسات علمی کشور باشد.

غلامعلی حداد عادل

مقدمه

پژوهش و نگارش فرایندی پویا دارد و نویسنده‌ای که درباره مسئله‌ای بررسی و تحقیق می‌کند و اثر وی بناست حامل پیام تازه‌ای باشد، برای آگاهی از مسیر تحول موضوع از کندوکاو در آرای پیشین‌گزینی ندارد. توفیق او در وهله نخست در گرو جلب اعتماد خواننده در التزام به روش علمی و تتبع در مراجع فکری است. حلقه نخست در زنجیره عناصر این اعتماد با استناد به منابع مناسب شکل می‌گیرد تا به این ترتیب خواننده در استحکام و انسجام متن و اعتبار منابع اطمینان بیابد.

استفاده از منابع معتبر و اساسی شرط اصلی استواری و ماندگاری هر اثر است. مقصود از منابع معتبر، اسناد و مدارک اصیل و درخور اعتبار در یک حوزه موضوعی است که پیوندی دقیق و وثیق با متن دارد. چگونگی بهره‌گیری از منابع و تنیدن پاره‌های اندیشه پیشین و آرای مؤلف و عرضه منطقی و منسجم مطالب، به منظور تولید اثری موثق و بدیع، هنر ظریفی است که به دقت و تأمل و وقوف بر دقایق موضوع نیاز دارد.

امر استناد از دیرباز متداول بوده و اسناد هر قول به صاحب آن، پیشینه‌ای دراز دارد. با این حال کاربرد روشمند استنادها، و متکی کردن مدعاها به سند محکم، در یکی دو قرن اخیر رواج یافته است. مؤلف منصف در بهره‌گیری از منابع، خواه از لحاظ مفاهیم، خواه از بابت روش‌ها، یافته‌ها و نتایج، با نسبت دادن هر اندیشه به مبدع آن، ادای دین می‌کند و

با ذکر شواهد و استنادهای خود، سندیت مدعای خود را نشان می‌دهد؛ و با عرضه شواهد مخالف نیز، امکان دآوری دقیق را برای خواننده فراهم می‌آورد. رعایت این ضوابط از اصلی ناشی می‌شود که بر التزام به موازین علمی در تدوین مقالات پژوهشی، به‌ویژه مقالات دایرةالمعارف‌های تخصصی که بناست سالیان سال بارآور بوده و محل مراجعه و استفاده باشند، تأکید می‌گذارد. اساساً فرایند پژوهش با شیوة دقیق استناد پیوندی تام دارد. هر نوشته علمی با آمیزة متناسبی از اندیشه نویسنده آن و پاره‌های متون پیشین شکل می‌گیرد، و ارجاعات و استنادها درواقع در حکم نشانه‌های بارزی از پیوند بین متون و در عین حال به‌مثابه نمودار بهره‌های برگرفته از منابع و آرای محقق‌اند.

در تدوین یک نوشته علمی گذشته از مسئله دسترسی به منابع مورد نیاز، آگاهی از اطلاعات کلی هر حوزه، از جمله مسلمات علمی و مفاهیم بدیهی آن حوزه که نیازی به ذکر مأخذ ندارد، الزامی است. درحقیقت غرض از مستندنویسی، ذکر استندهای بیهوده برای موضوعات مورد قبول عام نیست. در هر حوزه از علوم و فنون حقایقی دانش عام به‌شمار می‌رود و نیازی به مستندسازی ندارد؛ برای مثال در حوزه تاریخ، اغلب خوانندگان آگاهند که احمدشاه قاجار آخرین پادشاه این سلسله بود. آگاهی‌هایی از این دست در متن نوشته به ذکر سند احتیاج ندارد. اما هنگامی که بحث تخصصی‌تر درباره او صورت می‌گیرد، از جمله دلایل تصمیم او برای ترک کشور، به ذکر سند نیاز دارد.

مجموعه حاضر شامل سه دفتر است. دفتر اول در سه گفتار، ناظر به پاره‌ای از مبانی نظری کاربرد ارجاع و استناد در نگارش‌های علمی است. گفتار اول بیشتر بر هدف‌ها، دلایل و انگیزه‌های استنادکردن و عواملی که بر رفتار استنادی نویسندگان و ساماندهی استنادها تأثیرگذارند، تأکید دارد. در گفتار دوم درباره بروز خطاهای ارجاعی بحث می‌شود و به نتایج چند پژوهش که به بررسی خطاهای ارجاعی پرداخته‌اند، نیز به برخی از رهنمودهای برخاسته از این بررسی‌ها درباره کاربرد استناد و ارجاع اشاره می‌شود. در گفتار سوم آسیب‌پذیری پژوهش‌های متکی به استنادهای منابع شبکه جهانی وب مورد تحلیل قرار می‌گیرد، و جنبه‌های آسیب‌رسان این منابع که مآلاً ممکن است زمینه پرخطری برای پژوهش در پی داشته باشد، بیان می‌گردد.

دفتر دوم با عنوان «۱۱۰ نکته در ذکر استنادها و ارجاعات، و تنظیم اطلاعات کتاب‌شناختی منابع مقالات دانشنامه جهان اسلام» است که در آن به توضیح نکات مذکور می‌پردازد. هسته اولیه آن، مجموعه ۷۲ نکته‌ای بود که با همان عنوان و با هدف ساماندهی ارجاعات و استنادهای مقالات دانشنامه در ۱۳۸۱ تهیه، و ضوابط آن به مدت پانزده سال در تدوین مقالات مزبور رعایت شد. در مجموعه کنونی علاوه بر افزایش ۷۲ نکته یادشده به ۱۱۰ نکته، مطالب تازه‌ای بنا بر نیازهای جدید، در شرح نکات پیشین افزوده شد. بحث درباره انواع ارجاع، چگونگی ذکر اجزای نشانه‌های درون‌متنی در مقالات دانشنامه، مسائل شناسه‌ها و چگونگی درج اطلاعات کتابشناختی منابع از اهم مباحث بخش‌های پنج‌گانه این دفتر را تشکیل می‌دهند.

دفتر سوم به معرفی دو شیوه‌نامه در زمینه پژوهش و نگارش در حوزه‌های علوم اجتماعی و علوم انسانی، از انتشارات انجمن روان‌شناسی آمریکا^۱ و انجمن زبان مدرن آمریکا^۲، و بررسی رهنمودهای این دو شیوه‌نامه در زمینه چگونگی استناد به منابع مختلف می‌پردازد. گفتنی است در این زمینه پیش‌تر کوشش‌هایی صورت گرفته است. دو نمونه تأثیرگذار از آنها، یکی شیوه‌های استناد در نگارش‌های علمی، تألیف عباس حری و اعظم شاه‌بداغی (تهران، ۱۳۸۵)، و دیگری شیوه‌نامه ایران، تألیف سیروس علیدوستی، فخرالسادات محمدی، حمید کشاورز و محمد ابویی اردکان (تهران، ۱۳۸۵) است؛ که در اینجا باید به فضل تقدم آنها اذعان شود. با وجود این، دو عامل در معرفی دو شیوه‌نامه مذکور در این مجموعه مؤثر بود: عامل اول، انتشار ویرایش‌های جدید این دو شیوه‌نامه و تغییرات صورت گرفته در شماری از ضوابط آنها بود و عامل دوم، امکان عرضه گزیده‌ای از ضوابط و رهنمودهای موجود در آنها، در چگونگی استناد به انواع منابع کثیرالارجاع در قالب‌های مختلف بود، همراه با ذکر مثال‌هایی حتی‌الامکان روشن و ساده برای هر مورد.

این مجموعه تلاش کوچکی است مبتنی بر تجربیات چندساله نگارنده در بخش ویرایش استنادی بنیاد دایرةالمعارف اسلامی؛ پای ملخی است که تقدیم اهل قلم می‌شود.

1. American Psychological Association (APA)

2. Modern Language Association of American (MLA)

دوازده ♦ درآمدی به آیین استناد در نگارش‌های علمی

بی‌تردید نکات مندرج در آن عاری از نقص و خطا نیست. امید است به‌رغم همه کاستی‌ها بتواند گامی کوچک به سوی انسجام و هماهنگی در کاربرد ارجاع و استناد بردارد. هرگونه پیشنهاد و اظهار نظر درباره آن از طرف صاحب‌نظران و پژوهشگران و اهل فن در رفع نقایص موجود مغتنم و موجب امتنان خواهد بود.

در اینجا شایسته است که از استاد ارجمند جناب آقای دکتر حداد عادل، مدیر عامل محترم بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، که با توصیه‌های مشفقانه‌شان در تدوین تجربه‌های واحدهای علمی بنیاد، انگیزه قلمی کردن این نوشته ناچیز را فراهم ساختند، سپاسگزاری شود.

همچنین نگارنده بر خود فرض می‌داند که از استاد محترم جناب آقای مهندس حسن طارمی راد، معاون علمی بنیاد که با تشویق‌ها و راهنمایی‌هایشان در شکل گرفتن این اثر نقشی عمده و عنایتی ویژه داشتند و نیز از جناب آقای سید ناصر موسوی جزایری، معاون محترم اجرایی بنیاد و مدیر عامل کتاب مرجع، که امکان نشر آن را فراهم کردند، خالصانه قدردانی نماید.

زحمات آقایان محمد جوهرچی، مشاور محترم مدیرعامل کتاب مرجع که با دقت نظر در بازبینی اثر اهتمام داشتند و رضا لبافی، مدیر محترم انتشارات کتاب مرجع که در کار نشر آن بسیار کوشیدند، شایسته تشکر و امتنان است. همچنین از تلاش‌های همکاران بخش ویرایش استنادی که در ترویج آیین استناد و مراقبت از اعمال ضوابط آن در مقاله‌های دانشنامه جهان اسلام، نقشی موثر داشتند و بویژه از اشارات مفید خانم‌ها منصوره ستاری و دکتر سیمین قطبی (مدیر کنونی این بخش) در تدوین این نوشته باید صمیمانه سپاسگزاری شود.

محمود حقیقی

دفتر اول

سه گفتار در کاربرد استناد و ارجاع

این دفتر حاوی سه گفتار درباره برخی از مبانی نظری کاربرد ارجاع و استناد در نوشته‌های علمی است. در گفتار نخست نقش بارز استناد در تولید و نشر اطلاعات و هدف‌ها و انگیزه‌های کاربرد استناد مورد تحلیل قرار می‌گیرد. ضمن مروری بر تاریخچه اجمالی از استفاده از ارجاع و استناد به آثار پیشین، به شرح عواملی که بر رفتار استنادی نویسندگان تأثیر می‌گذارد، نیز عواملی که اصل مستندنویسی و متکی کردن مدعاها به سندی محکم را ضرور می‌سازد، پرداخته می‌شود. چند ضابطه شاخص که شناخت و رعایت آنها در نگارش‌های علمی، در ساماندهی وضع ارجاعات و استنادها می‌تواند کارساز باشند، معرفی می‌گردند.

گفتار دوم به بررسی خطاهای ارجاعی در مقالات علمی می‌پردازد که در نتیجه فقدان تتبع لازم در این گونه نوشته‌ها امکان بروز پیدا می‌کند و آنها را در معرض انواع آسیب‌ها قرار می‌دهد. این گفتار ضمن تأکید بر اعمال حد اعلای دقت و وسواس در این گونه آثار، به بیان رهنمودهای برخی از صاحب‌نظران در خصوص شناخت نقش و عملکرد انواع استناد می‌پردازد، رهنمودهایی که می‌توانند در اجتناب از خطاهای ارجاعی مؤثر باشند.

گفتار سوم به تحلیل آسیب‌پذیری پژوهش‌های متکی به استنادهای منابع شبکه جهانی وب پرداخته، جنبه‌های آسیب‌رسان آنها را که عمدتاً با نادیده گرفتن موازین علمی تدوین می‌شوند، نشان می‌دهد. این گفتار اعتماد به اطلاعات مأخوذ از این‌گونه منابع را از حیث چگونگی بازیابی، دقت و اعتبار و ماندگاری قابل تأمل دانسته، بر این باور است که استفاده از آنها چه‌بسا زمینه پرخطری برای پژوهش ایجاد و آن را از لحاظ اعتبار و اثربخشی مخدوش کند.

گفتاریک

کاربرد اسناد در نگارش‌های علمی^۱

استادها یکی از عناصر شاخص نگارش‌های علمی‌اند و نقش بارزی در تولید و نشر اطلاعات دارند. درحقیقت، اصل اسناد یکی از اصول اساسی تألیف و پژوهش به‌شمار می‌رود و اثری می‌تواند با اقبال جامعه علمی روبرو شود که در رعایت این اصل، در آن دقت و اهتمام لازم صورت گرفته، به نحوی که مطالب استنادشده، استوار، گویا و صریح باشد. صاحب‌نظران در این زمینه که تدوین هر اثر علمی بر پایه آثار پیشین صورت می‌گیرد، اتفاق نظر دارند و تصریح این نکته را که مطالب ارائه‌شده در نگارش‌ها بر چه اندیشه‌ها و دستاوردهایی مبتنی بوده است، لازمه پیروی از موازین اخلاق علمی می‌دانند. از سوی دیگر، مستندات هر نوشته علمی معیاری برای محک‌زدن درجه اعتبار و اصالت نکات ارائه‌شده در آن نوشته محسوب می‌شود. این واقعیت نیز که در دهه‌های اخیر مطالعات استنادی به منظور بررسی روابط موجود میان مدارک استنادکننده و مدارک استنادشونده — که امروزه از آن به عنوان تحلیل استنادی یاد می‌شود — رواج چشم‌گیری داشته است، بر اهمیت نقش اسناد تأکید می‌گذارد.

۱. این مقاله قبلاً در مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی، سال ۳۲، ش ۲ (پاییز و زمستان ۱۳۸۱) درج و منتشر شده است.

عامل مهم دیگری که عرضه مستندات را ضروری می‌سازد واقعیت خطاپذیری حافظه آدمی است. با توجه به این واقعیت، مطالب یک نوشته علمی را نمی‌توان صرفاً به اتکای حافظه بیان کرد. این امر که باید آن را ناشی از ضعف‌ها و محدودیت‌های قوای ذهنی برشمرد و نیز لزوم اثبات مستدل مطالب ارائه‌شده ایجاب می‌کند که مستندات مطالب به روشنی ارائه گردد تا بدین ترتیب با احراز اطمینان از درستی آنها، اعتبار و وثاقت هر نوشته تضمین گردد و نتایج حاصل از آن قابل اعتماد باشد.

در زمینه لغزش‌پذیر بودن حافظه، نقل قول جالبی از علامه قزوینی قابل تأمل است. وسواس و دقت علمی علامه صفت بارز وی بوده است، و او را نمونه اعلا در مستند و مستدل نویسی دانسته‌اند. از وی روایت می‌کنند که وقتی پس از انتشار کتاب چهار مقاله نظامی عروضی — با همه دقتی که در تصحیح آن به عمل آورده بود — یکی از خوانندگان کتاب، غلط‌نامه‌ای برای آن ترتیب داده و برایش می‌فرستد، از مشاهده آن چنان متأثر می‌شود که عهد می‌کند از آن پس اگر بخواهد ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ هم بنویسد باید قرآن را باز کند و از روی آن به نقل پردازد (تقی‌زاده، ۱۳۷۸، ص ۱۴۶).

امر استناد به آثار پیشین و اسناد هر قول به صاحب آن مسبوق به سابقه‌ای طولانی است. با این حال، دِرِک دُ سولا پرایس^۱، صاحب‌نظر در تاریخ علم، در اثر آموزنده خود <علم کوچک، علم بزرگ>^۲ که مشتمل بر مقالاتی درباره فلسفه، تاریخ‌نگاری و جنبه‌های اجتماعی علم است، خاطرنشان می‌سازد که انگاره نوین ارجاعات آشکار به آثار پیشین از حدود ۱۸۵۰ در مجلات علمی ظاهر شده است (پرایس، ۱۹۸۶، ص ۵۸). نظر وی از این جهت که استنادها در مجلات علمی از این زمان به صورت روشمندی عرضه شده‌اند، می‌تواند قابل قبول باشد، چه شواهد موجود حاکی از آن است که پیشینیان ما به ضرورت درج استنادها واقف بوده و به سلیقه و شیوه خاص خود به آثار پیشکسوتان استناد می‌کرده‌اند. نظر به اهمیت این امر، ذکر چند نمونه از شیوه استناد و ارجاع قدما در آثارشان خالی از فایده نخواهد بود.

1. Derek de Solla Price

2. *Little science, big science*

هرودوت^۱ (قرن ۵ ق. م) که به «پدر تاریخ» موسوم است، آنجا که در کتاب تاریخ خود (۱۹۸۰، ص ۲۸۰) می‌خواهد برای این خاصیت اقلیم سرد که در سکوتیا^۲ موجب می‌شود شاخ از سر حیوانات بیرون نیاید شاهی ارائه دهد، به بیتی از اودیسه هومر (قرن ۹ یا ۸ ق. م) به این مضمون استناد می‌کند که در هوای گرم لیبی شاخ گوسفندان به سرعت رشد می‌کند و از آن نتیجه می‌گیرد که چون شاخ حیوان در هوای گرم سریع رشد می‌کند، در مقابل، هوای سرد مانع از رشد آن می‌شود. پلینی مهین^۳ (۲۳ ب. م - ۷۹ ب. م) در مجموعه تاریخ طبیعی مفصل خود - مشتمل بر ۳۷ کتاب در ۱۰ مجلد - مآخذی را که از آنها در تألیف این اثر بهره گرفته است، صادقانه نام می‌برد (۱۹۶۷-۱۹۷۱، ج ۱، مقدمه، ص XIV). کتاب اول وی در واقع مندرجات ۳۶ کتاب بعدی را نشان می‌دهد، و در پی مندرجات هر کتاب فهرست اسامی نویسندگان پیشین که آثارشان مأخذ کار وی بوده، ارائه شده است. افزون بر آن در متن اثر حجیم خود هر جا که لازم بوده به مأخذ خود اشاره کرده است. مثلاً در بحث درباره قوس قزح می‌نویسد: که این پدیده فقط در مقابل خورشید ظاهر می‌شود و هیچ‌گاه جز به شکل کمان، آن هم نه در هنگام شب، روی نمی‌دهد و در ادامه به قول ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق. م) استناد می‌کند که این پدیده گاهی در شب نیز دیده شده است (پلینی، ج ۱، کتاب دوم، ص ۲۸۷).

استناد به آثار پیشین نزد دانشمندان اسلامی نیز مرسوم بوده است و نویسندگان مسلمان ضمن کاوش دقیق برای مفاهیم، روش‌ها و نتایج معتبر مربوط به موضوع مورد نظرشان در آثار اسلاف خود و بهره‌گیری از آن در نوشته‌های خود در نسبت دادن هر قول و نظر به گوینده و نویسنده آن اهتمام داشته‌اند. از جمله، محمدبن زکریای رازی (۲۵۱-۳۱۳ ق.) در مقدمه کتاب الحاوی (۱۹۵۵-۱۹۷۲، ج ۱، ص ۲) تصریح می‌کند که این کتاب حاوی مطالب همه کتاب‌ها و اقوال پیشینیان و افاضل حرفه پزشکی است، و در جای جای کتاب خود به نظریات اسلاف خود از جمله بقراط (۴۶۰-۳۷۷ ق. م) دیوسکوریدس^۴ (قرن اول م.)، جالینوس (۱۲۹-۱۹۹ م) و دیگران اشاره می‌کند. ابن بابویه (متوفی ۳۸۱ ق.) در کتاب معروف

1. Herodotus

۲. سکوتیا (Scytia) نام قدیمی قسمتی از جنوب شرقی اروپا است.

3. Pliny, The Elder

4. Dioscorides

خود من لایحضره الفقیه (۱۴۰۱، ج ۱، ص ۳-۵) ضمن معرفی منابع خود تصریح می‌کند که در تدوین آن از آثار معتبری که نام برده، استفاده کرده است. ابن بیطار (متوفی ۶۴۶ ق.) در مقدمه کتاب الجامع لمفردات الادویه و الاغذیه (۱۹۶۴، ج ۱، ص ۲) آثار دیوسکوریدس و جالینوس را به عنوان منابع اصلی کتاب خود معرفی می‌کند و در متن علاوه بر استناد به آن دو به گفته‌های دانشمندان بسیاری از جمله ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق.)، رازی، ابن ماسویه (متوفی ۲۴۳ ق.)، پزشک ایرانی نژاد و مسیحی نسطوری و دیگران نیز اشاره می‌کند. مسئله استناد، به‌ویژه در حوزه علم حدیث به لحاظ طبیعت موضوع آن، از ارج و اهمیت والایی برخوردار بوده و برای آن قواعد و شرایطی مقرر شده است. در این حوزه سندها را در حکم ستون‌هایی می‌دانستند که متن حدیث بر آن‌ها استوار و پابرجاست (← زمخشری ۱۹۷۲-۱۹۷۳، ذیل «سند»؛ برای برخی شباهت‌های روش‌شناختی و اصطلاح‌شناختی تحلیل استنادی با علم حدیث ← خُزّی، ۱۳۶۲، ص ۱۱-۱۷).

از شواهد و نمونه‌های فوق می‌توان پی برد که اهمیت استناد به آثار پیشین برای نویسندگان آثار علمی از دیرباز کاملاً روشن بوده است و قدما نیز نیاز واقعی را در مورد تجلیل از پیشکسوتان و نیز مستند ساختن نظریات خود را به‌خوبی می‌شناختند. لذا می‌توان چنین نتیجه گرفت که امر استناد پدیده نوینی نیست، هرچند ممکن است مبانی نظری آن بیشتر در زمان معاصر شکل گرفته باشد. در واقع، در دهه‌های اخیر مطالعات استنادی از ابعاد مختلفی چون نمایه‌سازی استنادی، کیفیت، مفاهیم، دلایل و کاربردهای استنادها صورت گرفته است. در اینجا به لحاظ اهمیت فقط به دو نمونه از نتایج بررسی‌هایی که در زمینه دلایل و کاربردهای استنادها صورت گرفته است، اشاره می‌شود.

یوجین گارفیلد^۱، از صاحب‌نظران مطالعات استنادی، پانزده دلیل برای استناد کردن ذکر می‌کند (۱۳۷۶، ص ۱۳۰-۱۳۱) که عبارتند از:

۱. ادای احترام به پیشکسوتان؛
۲. اعتبار بخشیدن به آثار مرتبط (احترام به همکاران)؛

۳. معرفی روش ها، ابزار و جز آنها؛
 ۴. تهیه پیشینه مطالعات؛
 ۵. تصحیح اثر خود مؤلف؛
 ۶. تصحیح آثار دیگران؛
 ۷. نقد آثار پیشین؛
 ۸. اثبات ادعاها؛
 ۹. تذکر درباره آثار زیر چاپ؛
 ۱۰. معرفی اثری که توزیع یا نمایه سازی ضعیفی داشته و یا به آن استنادی صورت نگرفته است؛
 ۱۱. احراز درستی داده ها و واقعیت ها (مانند کمیت های ثابت فیزیکی و جز آن)؛
 ۱۲. معرفی آثار اصیل که اندیشه یا مفهومی برای نخستین بار در آن ها مطرح شده است؛
 ۱۳. معرفی آثار اصیل یا اثری که به توصیف اصطلاح یا مفهومی پرداخته که با نام مبتکر آن همراه است مانند بیماری هاچکین^۱، قانون پارِتو^۲، عکس العمل فریدل - کرافتس^۳ و جز آن؛
 ۱۴. رد آثار یا عقاید دیگران (ادعای منفی)؛
 ۱۵. مناقشه درباره برتری ادعاهای دیگران (احترام منفی).
- و الکساندرا دیمتروف^۴ در بررسی خود (۱۹۹۵، ص ۴۴) همه استندهای واقعی را برحسب اینکه با چه هدفی به کار رفته باشند، در یکی از مقوله های سه گانه جای می دهد:
۱. ایجاد پیوند میان اثر مورد نظر با اثر مرتبط پیشین؛
 ۲. اعتبار بخشی و ادای احترام؛
 ۳. تأمین شواهد برای اثبات مدعا و ارائه توضیحات لازم.
- با نظری اجمالی به دلایل دو بررسی پیش گفته که در زمینه کاربرد استناد صورت گرفته،

عقاید گوناگونی دربارهٔ طبیعت استناد و پیچیدگی‌های روند استنادی ملاحظه می‌شود. آنچه مسلم است عوامل متعددی می‌توانند رفتار استنادی نویسندگان را تحت‌الشعاع قرار دهند. این عوامل طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند: از متغیرهای اجتماعی و روانی گرفته تا مخاطبان مورد نظر، دامنه و هدف‌های نوشتهٔ علمی، چگونگی برداشت و تصور از دانش عام در حوزه‌های مختلف، میزان اشraf نویسندگان به منابع حوزهٔ مورد پژوهش، چگونگی دسترس‌پذیری منابع، مشکلات زبانی، برخی سهل‌انگاری‌های متداول و جز آن. پیچیدگی و گوناگونی این عوامل چنان است که به آسانی شاید نتوان آنها را تحت قاعده‌ای منسجم درآورد. واقعیت این است که به‌رغم مطالعات متعدد دربارهٔ رفتار استنادی، هنوز اطلاعات چندانی در این زمینه وجود ندارد. به گفتهٔ گارفیلد (۱۳۷۶، ص ۱۳۳) امروزه هنر استناد کردن شاید نیازمند آموزش‌های رسمی باشد. بررسی‌های دوگانهٔ فوق‌مورد جالبی را از دلایل نویسندگان برای استناد به آثار پیشین نشان می‌دهد. با این حال، با قطعیت نمی‌توان گفت که دلایل و کاربردهای واقعی استنادها محدود به همین موارد است. از مقایسهٔ دو مورد پیش گفته به نظر می‌رسد از لحاظ جامعیت و مانعیت، نکات عرضه‌شده در بررسی دیمتروف از مورد دیگر که با تفصیلی بیشتر به مسئله پرداخته و دلایل فرعی‌تر را نیز منظور داشته است، مناسب‌تر باشد. اما آنچه در این میان بیش از همه مشترک به نظر می‌رسد و از دلایل عمده برای استناد محسوب می‌شود، یکی از اثبات مدعاها و دیگری تجلیل از پیشکسوتان است.

از بررسی مطالعات مربوط به چگونگی کاربرد استنادها و با توجه به تجارب اهل فن می‌توان به چند ضابطه و نکتهٔ شاخص، علاوه بر دو مورد فوق، دست یافت که به نظر می‌رسد رعایت آنها در نگارش‌های علمی به زبان فارسی به میزان قابل ملاحظه‌ای در ساماندهی وضع استنادها کارساز باشد. بعضی از مهم‌ترین این نکات را می‌توان چنین عرضه کرد:

۱. اثبات مستدل و مستند مدعاها

به‌طور کلی ضرورت پیروی از موازین علمی و نیز لزوم اثبات مستدل ادعاهای ارائه‌شده، ایجاب می‌کند که مطالب با تتبع و تفحص و مراجعه به اسناد و مدارک تدوین شود و مدعاها

مستند به سند و مدرکی معتبر و قابل قبول باشد. درواقع مطلبی مستند تلقی می‌شود که میان آن و سند مربوط، پیوندی روشن و بی‌ابهام و رابطه محتوایی درستی برقرار باشد و بیان آن با تصریحی بیش از دلالت مستندات مربوط صورت نگیرد. از سوی دیگر، استندهای واقعی برای خواننده علاقه‌مند ابزاری مناسب به‌شمار می‌آید که از طریق آن می‌تواند نتایج به‌دست آمده در گزارشی علمی را بیازماید و درباره صحت منابع هر مدعا تفحص کند (فراس، ۱۹۷۹، ص ۴۰۰). در واقع به‌جز بدیهیات و آنچه بدان دانش عام اطلاق می‌شود سایر مدعاها باید مستند به مآخذ معتبر باشند. برای نکاتی که بدیهی است و قبول عام دارد و نویسنده و خواننده درباره آن اختلافی ندارند به ارائه سند نیازی نیست. به‌طور مثال، این نکته که در تاریخ منطق، نخستین بار ارسطو کلمه «تضاد» را به عنوان یک اصطلاح، تعریف و تبیین کرده است نیازی به ذکر مآخذ ندارد، چون درحقیقت ارسطو خود واضع منطق بوده است. هم‌چنین است در مورد بیان واقعیت‌ها و قضایای پذیرفته شده از قبیل این‌که آب در ۱۰۰ درجه سانتیگراد به جوش می‌آید؛ یا اینکه مربع وتر در مثلث قائم‌الزاویه برابر است با مجموع مربعات دو ضلع دیگر (قضیه فیثاغورس)؛ یا اینکه واضع نظریهٔ پسیکانالیز یا روانکاوی، زیگموند فروید^۱ (۱۹۳۶-۱۸۵۶) بوده است؛ یا این واقعیت که بالاترین شمارگان کتاب منتشرشده از زمان گوتنبرگ تاکنون، کتاب مقدس بوده است و جز آن.

۲. تجلیل از پیشکسوتان

تجلیل از پیشکسوتان و ادای دین فکری به آنان دلیل عمده‌ای برای استناد کردن است. در واقع هرگاه نویسنده‌ای در اثر خود از مفهوم، روش یا نتیجهٔ تحقیقی بهره گرفته باشد، به‌طوری که بدون این بهره‌گیری اثبات مدعای وی مقدور نباشد، دین فکری بزرگی نسبت به مبدع اصلی آن مفهوم، روش یا نتیجه بر ذمه خواهد داشت (کوخن^۲، ۱۹۸۷، ص ۵۵). در این قبیل موارد با ارائه مستندات هر نوشته و اسناد هر قول به صاحب آن، دین معنوی و فکری به پیشکسوتان و بزرگان هر حوزه فکری و نخستین طراحان هر اندیشه باید ادا شود. اساساً سنت

1. Sigmund Freud

2. Kochen

علمی ایجاب می‌کند که در تدوین هر اثر، به آثار پیشین که به همان موضوع پرداخته‌اند ارجاع داده شود و فرض بر این است که این ارجاعات پژوهش‌های پیشین را که از مفاهیم، روش‌ها و ابزارهای آنها الهام گرفته شده است، معرفی کنند (واین‌شتوک^۱، ۱۹۷۱، ج ۵، ص ۱۹). به‌طور مثال در بررسی زمینه تاریخی مباحثی چون نظریه تکامل، علم مکانیک، یا شیمی جدید با ارجاع به بنیانگذاران این علوم؛ یعنی داروین^۲ (۱۸۸۲-۱۸۰۹)، نیوتن^۳ (۱۶۴۲-۱۷۲۷) و لاولوایه^۴ (۱۷۴۳-۱۷۹۴) از آنان تجلیل می‌شود. برای پیشینه تعیین وزن مخصوص سنگ‌ها در دوره اسلامی معرفی کتاب معتبر الجماهر فی معرفة الجواهر ابوریحان بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ ق.) که حاوی اطلاعات اصیل کانی‌شناختی است و درباره ویژگی‌های سنگ‌ها، از جمله وزن مخصوص آنها، بحث می‌کند و بدین ترتیب وزن مخصوص چند سنگ و فلز گرانبها برای نخستین بار در عالم اسلام تعیین می‌گردد، اجتناب‌ناپذیر است. در این قبیل موارد، درحقیقت، استناد در حکم نوعی مالیات است که در ازای استفاده آزادانه از آثار فکری دیگران وصول می‌گردد (کرونین^۵ و ارفلت^۶، ۱۹۹۴، ص ۱۶۶).

۳. استناد به منابع اصیل و معتبر

در مستندسازی مدعاها از معتبرترین منابع موجود در هر زمینه استفاده می‌شود و استناد به منابع بی‌اعتبار که سندیت مآخذ و درستی مطالب آنها محرز نیست، ناروا و مردود است. چه‌بسا این قبیل منابع از دقتی که منظور نظر پژوهشگران است، برخوردار نباشند و مسامحه‌هایی در درج مطالب در آنها صورت گرفته باشد. اساساً اعتماد به منابع واسط و دست دوم و بهره‌گیری از آنها در نگارش‌های علمی، اعتبار این آثار را مخدوش و کیفیت مطالب آنها را دستخوش تردید می‌سازد. سهل الوصول بودن مطالب مورد نیاز در این قبیل منابع و نیز دشواریاب بودن منشأ آن مطالب در منابع اصیل، احتمالاً عامل اصلی استناد به آنهاست. در این زمینه مشکل وقتی دوچندان می‌شود که در مورد مقوله‌های فرهنگی مانند زبان، ادب، تاریخ، جغرافیا، دین و هنر متعلق به مردمان خاصی به منابع فرهنگ بیگانه

1. Weinstock
3. Issac Newton
5. Cronin

2. Chrls Robert Darwin
4. Antoine Laurent de Lavoisier
6. Orefelt

استناد گردد. هرگاه از منبعی هم متن اصلی و هم ترجمه آن موجود باشد، مطلوب آن است که مطلب مورد نظر از متن اصلی اخذ گردد و چنانچه به هر دلیلی از متن ترجمه استفاده می‌شود، مشخصات کتاب‌شناختی همین متن داده شود، نه مشخصات متن اصلی. در مواردی که مطلبی را می‌توان با منابع متعددی مستند ساخت، بهتر آن است که به یکی دو منبع اصلی و معتبر در نشانی اکتفا و از درج منابع فرعی و متأخر در نشانی صرف‌نظر شود تا حضور منابع متعدد در نشانی موجب گسیختگی رشته کلام نگردد. در این حالت، در صورت ضرورت ذکر منابع متأخر، می‌توان دو سه مورد از آنها را در قسمت منابع پایانی اثر، همراه با توضیح مختصری درباره دلیل درج آنها منظور کرد. غرض از ذکر منابع معتبر و مناسب در واقع، اعتبار و تناسب از جهت پیوند موضوعی و زمانی و زبانی منابع با متن است. به طور مثال، در زمینه نهضت ترجمه در جهان اسلام، منبع اصیل و دست اول کتاب الفهرست ابن ندیم است؛ یا منبع مناسب برای زندگانی بایزید بسطامی (صوفی قرن سوم) کتاب طبقات الصوفیه محمدبن حسن سلمی (متوفی ۴۱۲ ق.) است که به دوره زندگانی بایزید بسیار نزدیک است؛ و یا اطلاعات دست اول در ذکر احوال نورالدین عبدالرحمان جامی، شاعر قرن نهم، را می‌توان در کتاب تذکرة الشعراء دولتشاه سمرقندی یافت که در همان قرن در ۸۹۲ تألیف شده است. در مقابل، داده‌ها، ارقام و آمار ارائه‌شده با استناد به جدیدترین منابع باید روزآمد شوند.

۴. ویژگی نقل قول‌ها

نقش نقل قول‌ها در پروراندن موضوع دارای اهمیت زیادی است. در واقع در مواردی مستندسازی مطالب مستلزم نقل قول از نویسندگان دیگر است. در این گونه موارد، مطلوب آن است که نکته مورد نظر به اختصار و به شیوه نقل به معنی و با رعایت شرط امانت ذکر شود، و فقط در شرایط استثنایی که نقل عین عبارت نویسنده‌ای اهمیت داشته باشد، مثلاً سندیت خود عبارت منظور نظر باشد، یا در شکل نقل به مضمون بیم تحریف آن قول وجود داشته باشد، و یا از نقل به مضمون تعبیرات گوناگونی برداشت شود، آن عبارت عیناً از منبع مربوط که اعتبار آن محرز است، داخل گیومه ذکر می‌شود. در این صورت مطلوب آن است

که در نقل عبارت به حد ضروری اکتفا شود، و تنها آن قسمت از مطلب که مستقیماً به آن نیاز است، نقل گردد و در صورت لزوم عبارات پس و پیش آن نیز تلخیص شود (سمیعی، ۱۳۷۸، ص ۱۰۳؛ معصومی همدانی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۲-۱۳۳). این نکات درباره نقل قول از منابع به زبان‌های بیگانه نیز صادق است. در اینجا نیز نه تنها برگردان مطالب مستلزم دقت بسیار است، بلکه رعایت ایجاز هم در بیان آنها ضروری است و فقط اطلاعات اساسی و موثقی که در شناساندن موضوع واقعاً سودمند است، با ذکر سند مربوط عرضه می‌شود.

۵. چگونگی کاربرد استنادها

امر استناد در نگارش‌های علمی رفتار استنادی سنجیده‌ای را طلب می‌کند اما با توجه به پیچیدگی‌های این رفتار که از عوامل روانی و اجتماعی و فرهنگی بسیاری می‌تواند متأثر باشد و ارائه قواعد دقیقی برای آن امکان‌پذیر نیست. با این‌همه، ذکر چند نکته خالی از فایده نخواهد بود. چگونگی استناد در علوم، علوم اجتماعی و علوم انسانی به سبب تفاوت‌هایی که در روش‌ها و هدف‌های این مقوله‌ها وجود دارد، ممکن است متفاوت باشد. به طور مثال، شواهد تجربی در حالی که نقش عمده‌ای در پژوهش‌های مربوط به علوم ایفا می‌کند، در پژوهش‌های علوم انسانی آن‌چنان نقش با اهمیتی ندارد. به طور مثال، در حوزه پژوهش‌های علمی تعداد و تنوع استنادهایی که از طریق آنها شواهد و دلایل واقعی علمی مستند می‌شود، قابل توجه است (فراست، ۱۹۷۹، ص ۴۰۳-۴۰۴). به عبارت دیگر، در حوزه علوم ممکن است اثبات فرضیه‌ای مستلزم ارائه دقیق مجموعه شواهد و داده‌ها و مطالعات پیشین باشد، امری که در سایر حوزه‌ها شاید مبالغه‌آمیز به نظر برسد. در گزارش علمی، پژوهشگری که در مطالعات خود به نتایجی دست یافته است که به درستی و اهمیت آن اعتقاد دارد، ناچار است با عرضه استنادهای مناسب و شواهد لازم، جامعه علمی را به منظور درک نتایج تحقیق‌اش متقاعد سازد (لیو^۱ ۱۹۹۳، ص ۳۲۷، به نقل از گیلبرت^۲). با این حال، چگونگی کاربرد برخی استنادها در همه مقوله‌ها مشترک به نظر می‌رسد. به طور مثال، مستندسازی موقعیت کنونی

1. Liu

2. Gilbert

پژوهش، تجلیل از پیشکسوتان، ارائه شواهد لازم برای تاریخ رویدادهای خاص، راهنمایی خواننده به منابع بیشتر، معرفی آثار زیر چاپ و جز آن. در این قبیل موارد، شمار استنادها باید متناسب با مطلب ارائه شده باشد، چون درج شواهد دور از تناسب موجب گسست مطالب و گسیخته شدن رشته فکر خواننده می گردد. به طور مثال، تاریخ تولد و وفات نویسندگان و بزرگان و نام استادان یا شاگردان آنها را با ارائه یکی دو منبع موثق می توان مستند ساخت و ردیف کردن تعداد زیادی از منابع برای این منظور امری ساختگی به نظر می رسد.

مواضع مناسب جهت ارائه استناد نیز از مشکلات نگارش‌های علمی محسوب می شود. معمول این است که استنادهای مربوط به مطلبی خاص در پایان آن مطلب ذکر شود؛ مگر اینکه تأکید بر نام مؤلف استنادشونده باشد که در این صورت مناسب تر آن است که نشانی استناد بلافاصله پس از نام وی درج شود. اما ارائه مجموعه استنادهای مطالب مختلف مثلاً در پایان یک بند یا انتهای یک صفحه، به دلیل مشخص نبودن دقیق مأخذ هر مطلب کاری بیهوده و بی منطق به نظر می رسد. سرانجام، نکته مهم اینکه ارائه روشن و بدون ابهام شواهد و استنادها و وضع بسامان ارجاعات از ویژگی های بارز اثری موفق به شمار می رود.

۶. آسیب شناسی استنادها

برخی خطاهای متداول در ذکر شواهد و استنادها موجب مخدوش شدن مطالب و آسیب پذیری نوشته علمی و نهایتاً کیفیت نازل آن می شود. «تتیدن تار مأخذ در پود متن» هنر ظریفی است که به باریک بینی و سنجیدگی و قدری حوصله نیاز دارد. با اندکی دقت در ساماندهی استنادها و ارجاعات از بسیاری از خطاهای رایج می توان پرهیز کرد. چند نمونه از این نوع خطاها عبارتند از:

الف) در برخی موارد، استناد به اثری ممکن است به درستی صورت نگیرد و در نتیجه پیوند دقیق بین مطالب متن و سند برقرار نشود. این موارد عمدتاً ممکن است ناشی از عدم درک صحیح مطالب مدرک استنادشونده و برداشت های مبهم، غیردقیق و مخدوش از آن، عدم درج نکات اساسی مربوط به موضوع، ناتوانی در بازگویی صحیح و موجز

اطلاعات متراکم مآخذ، فقدان آشنایی لازم به زبان‌های بیگانه و سهل‌انگاری در ارجاع به مواضع دقیق مآخذ باشد.

ب) گاه مشاهده می‌شود که اشتباه خاصی در مورد یک استناد عیناً در چند اثر بازتاب یافته است. این امر ممکن است ناشی از آن باشد که به جای استناد به منبع دست‌اول، به مطالب منبع واسطه بسنده گردیده و در نتیجه، استادهای نادرست این منبع در آثار پسین نیز تکرار شده است. این سهل‌انگاری‌ها در حالی صورت می‌پذیرد که غالباً با درج اطلاعات کتابشناختی منبع اصلی، رد گم شده، چنان وانمود می‌شود که بهره‌گیری مستقیم از منبع اصلی به عمل آمده است.

ج) در برخی موارد، روش‌ها، مفاهیم، یا داده‌هایی عرضه می‌گردد اما از درج مستندات آنها امساک می‌شود. در این قبیل موارد، شائبه استنادزدایی تعمدی و شبهه سرقت علمی پدیدار می‌گردد.

د) گاهی برای مطلبی که با یکی دو مآخذ می‌تواند مستند شود، مآخذ پرشماری ردیف می‌گردد که مبالغه‌آمیز بودن آن کاملاً مشهود است و این امر بیشتر جنبه نمایشی دارد و به تعبیری دیگر نوعی پژوهش‌نمایی تلقی می‌شود تا استنادی علمی.

ه) ارائه نقل‌قول‌هایی طولانی و دور از تناسب در اثر، مطالعه آن را ملال‌آور می‌سازد و موجب سردرگمی خواننده می‌شود. این پدیده به‌ویژه در مورد استناد به منابع خارجی که غالباً با ارائه قطعات بزرگ ترجمه صورت می‌پذیرد، امکان تحلیل و تبیین مطالب را از مؤلف سلب می‌کند و اثر را از پویایی لازم بی‌بهره می‌سازد.

و) استناد به منابع دست دوم نظیر دایرةالمعارف‌های عمومی، به سبب آنکه مطالب این نوع مواد ممکن است در جریان نقل از آسیب‌های تحریف در امان نبوده باشد، قابل تأمل بوده می‌تواند اثر را از لحاظ کیفی به سطحی نازل سوق دهد.

ز) در نگارش‌های علمی استناد به آثار پیشین خود در صورتی پسندیده است که مؤلف خود واضع نظری یا طراح و مبتکر اندیشه‌ای در زمینه مورد بحث بوده و یا مطلب مورد نظر برگرفته از یافته‌های پژوهشی خود وی باشد. در غیر این صورت بهتر است که از این‌گونه استنادها پرهیز شود.

چند نمونه از خطاهای متداولی که به آنها اشاره شد دامن گیر برخی از پژوهش های علمی است که به آسانی می تواند آنها را آسیب پذیر ساخته و به آثاری غیر قابل اعتماد بدل سازند. اساساً سازماندهی استناد و شواهد و ارجاعات یک اثر از وظایف اصلی پدیدآورنده آن به شمار می رود و هر اندازه مطالب نوشته ای متکی به استنادهای شفاف تر و بی ابهام تر باشد، و هر اندازه در آن از خطاهای یادشده پرهیز شده باشد، آن نوشته عمر بارآورتر و مؤثرتری خواهد داشت.

۷. ویژگی های فهرست منابع

وجود مآخذ موثق و اساسی که نویسنده در نگارش اثرش از آنها بهره گرفته در فهرست منابع اثر در حکم سند اصالت و اعتبار مطالب آن اثر به شمار می رود. از طریق این اسناد و مدارک، امکان دسترسی به گستره پهناتری در هر زمینه برای خواننده علاقه مند فراهم می آید. در واقع، یکی از دستاوردهای با ارزش نگارش های علمی ارائه اطلاعات کتابشناختی منابع آنهاست که می تواند راهگشای پژوهش های آتی باشد.

جامعیت و مانعیت فهرست منابع حائز اهمیت است و این فهرست طبعاً فقط مشخصات دقیق و کامل مآخذی را که در متن اثر به آنها استناد یا ارجاع داده شده، در بر می گیرد. تنوع منابع گوناگون و اشکال مختلف مشخصات کتابشناختی آنها ایجاب می کند که در ارائه این اطلاعات از انضباط دقیقی پیروی شود و جنبه های فنی آن مطابق قواعد پذیرفته شده و متداول تنظیم گردد تا بدین ترتیب استفاده آسان از منابع امکان پذیر باشد.

کتاب ها و تک نگاشته ها در بسیاری از نگارش های علمی به ویژه در حوزه علوم انسانی شکل غالب منابع را تشکیل می دهند. این در حالی است که مطالب بکر بسیاری از طریق مقالات نشریات علمی، اسناد، پایان نامه های معتبر، نسخ خطی، نقشه ها و منابع الکترونیکی مانند لوح های فشرده و پایگاه های اینترنتی قابل دسترسی است. البته به موجب ناپایدار بودن بسیاری از اطلاعات الکترونیکی که از طریق اینترنت قابل دسترسی هستند، نیز محتوای متغیر اطلاعات در محیط اینترنت و همچنین به دلیل غیر معتبر بودن اطلاعات برخی پایگاه ها، ارجاع به این نوع منابع باید با احتیاط لازم همراه باشد و از این منابع

هنگامی استفاده شود که تنها منبع منحصر به فرد برای موضوع مورد نظر باشند. به عبارت دیگر، اطلاعات مورد نیاز — مانند آخرین آمار مربوط به جمعیت، ارقام مربوط به تولیدات گوناگون، آخرین اختراعات ثبت شده، آخرین یافته‌ها در زمینه علوم و فنون — تنها در قالب الکترونیکی قابل دسترس باشند.

رعایت نکات هفت‌گانه فوق مسلماً به ترویج فرهنگ مستند و مستدل‌نویسی در نگارش‌های علمی کمک شایانی خواهد کرد. این واقعیت نیز که امر استناد از دیرگاه مرسوم بوده نشان‌دهنده اهمیت آن به منزله یک سنت والای علمی است. در زمان معاصر نیز رابطه میان مدارک استنادکننده و مدرک استنادشونده موضوع بررسی‌های متعددی بوده و به‌ویژه پس از انتشار منابعی چون نمایه استنادی علوم^۱ و نظایر آن در غرب، این مطالعات رواج بیشتری یافته است. به‌طور مثال بر پایه این فرض که میان اعتبار مدرک استنادشونده و استنادهای متعلق به آن رابطه‌ای مستقیم وجود دارد و هر اندازه شمار استنادهای اثری بیشتر باشد آن اثر دارای اعتبار بیشتری است، تاکنون مطالعات بسیاری صورت گرفته است. این مطالعات از رهگذر شمارش استنادها و با استفاده از روش‌های آماری مختلف به ارزیابی اعتبار مقالات، مجلات، و متون علمی و مؤلفان آنها و مآلاً تعیین متون بنیانی هر زمینه پرداخته‌اند. از این‌رو امروزه استناد به آثار نویسندگان دیگر امری بسیار مهم و در عین حال بسیار عادی و متداول است و به گفته یوجین گارفیلد (۱۳۷۶، ص ۱۳۶) این امر «نه تنها حقیر نیست، که بسیار عالمانه است». در واقع، لازمه نتیجه‌گیری مطمئن در هر پژوهشی بررسی مستقیم همه اطلاعات مرتبط در آن زمینه است و چنانچه در یک گزارش علمی استنادهای لازم صورت نگرفته باشد، کیفیت مطالب آن و نتایج حاصل از آن قابل تردید خواهد بود.

اهمیت صحت اطلاعات ارائه‌شده که مستلزم رعایت موازین علمی و پیروی از روشی دقیق و مستدل است، از یک‌سو و بی‌دقتی‌های رایج در برخی از نوشته‌ها، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، از سوی دیگر، این نگرانی را دامن می‌زند که مبادا رواج سهل‌انگاری‌های متداول به ایجاد نوعی بحران در این قبیل آثار بیانجامد. به نظر می‌رسد که یکی از وظایف اساسی مؤسسات پژوهشی و انتشاراتی، یعنی ویرایش استنادی مقالات و متون علمی، در غالب

1. Science citation index, Philadelphia: Institute for Scientific Information, 1963.

موارد مغفول مانده است. و بالاخره سخن نغزی از محمدتقی بن محمد هادی متخلص به حکیم (قرن سیزده)، صاحب کتاب گنج دانش درباره رعایت ادب استناد حُسن ختامی به این گفتار می‌بخشد. وی در مقدمه کتابش (۱۳۰۵، ص ۱۳) می‌نویسد: «از برکت علم یکی آن است که هر قول و یا تحقیقی را به صاحب آن اسناد دهند و بر وجهی که مُوهِم سرقت بوده باشد، مندرج نسازند.»